

سرشناسه: احسانی، ابوطالب، ۱۳۲۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: امام حسن و امام حسین علیه السلام سرداران جوانان اهل بهشت / تالیف ابوطالب
 احسانی انگوری جاغوری.
 مشخصات نشر: قم: دارالکتاب، ۱۳۹۱. مشخصات ظاهری: ۵۵۲ ص.
 شابک: ۸-۵۲-۸۰۱۳-۹۶۴-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیا
 موضوع: امام حسن بن علی علیه السلام، امام دوم ۳-۵۰ ق -- فضایل
 موضوع: امام حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴-۶۱ ق -- فضایل
 موضوع: شعر مذهبی -- قرن ۱۴
 رده بندی کنگره: BP ۴۰/۶۵/الف ح ۵۱۳۹۱ - رده بندی دیویی: ۹۵۲/۲۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۴۱۲۲۸



انتشارات دارالکتاب - جزایری

امام حسن و امام حسین علیه السلام

سرداران جوانان اهل بهشت

تألیف: ابوطالب احسانی انگوری جاغوری

ناشر: انتشارات دارالکتاب (جزایری)

ساختمان ناشران، خیابان ارم، قم

تلفن: ۷۷۴۲۴۲۸ - ۷۷۴۱۲۴۱ - تلفاکس: ۷۷۴۴۵۶۸ - همراه: ۰۹۱۲۱۵۱۸۵۷۷

چاپ اول، ۱۳۹۱ شمسی / چاپخانه: شریعت / شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

بها: ۱۵۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-8013-52-8

شابک: ۸-۵۲-۸۰۱۳-۹۶۴-۹۷۸

«کلیه حقوق چاپ، نشر و عکسبرداری از این نسخه محفوظ است»

امام حسن و امام حسین علیه السلام

سرداران جوانان اهل بهشت

تألیف

ابوطالب احسانی انگوری جاغوری

دارالکتاب (بزازیری)

دو گوشوارهٔ عرش برین حسن و حسین
 دو پاره تن احمد دونور چشم بتول
 دوسپیدی که جوانان اهل جنت را
 دو آفتاب ولایت دو شمع محفل و دین
 دونور عرش الهی به جنت و رضوان
 پگاه مرگ نبی در حضور میر عرب
 یکی به زهر جف دیگری به تیغ ستم
 دونور ایزد یکتا در این جهان بودند
 علی است شمس ولایت به گلشن دین
 حسن به ماه صیام و حسین به ماه نبی
 برای لحظه دیدار آخرین با امام
 به وقت جنگ جمل در رکاب شیر خدا
 دو گوهری که گرفته پیمبر در آغوشش
 دو آفتاب فروزان به عرصه گیتی

دونور دیده روح الامین حسن و حسین
 دومیوه دل مولا علی حسن و حسین
 کنند رهبری و سروری حسن و حسین
 دوجانشین به حق نبی حسن و حسین
 ضیاء دیده اهل یقین حسن و حسین
 به روی سینه سلطان دین حسن و حسین
 شدند کشته در راه دین حسن و حسین
 که حقشان شده پامال کین حسن و حسین
 در سبط سید و سالار دین حسن و حسین
 سر بر دینار حبل المتین حسن و حسین
 به روی سینه پیر دین حسن و حسین
 نموده یاری شاه مبین حسن و حسین
 کنار منبر و محراب خود حسن و حسین
 دو انجم فلک هفتمین حسن و حسین

«از محمد بدر پور (نابینا) متخلص بفاشح»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سر آغاز

الحمد لله الواحد بغير تشبيه الدائم بغير تكوين القائم بغير كلفة الخالق بغير منصبة الموصوف بغير غاية المعروف بغير محدودية العزيز لم يزل قديماً قديماً فى القدم ودعت القلوب لهيبته وذهلت العقول لجزوه وحضعت الرقاب لقدرته فليس يخطر على قلب بشر مبلغ جبروته ولا يبلغ الناس كنهه - لا - ولا يفصح الواصفون منهم لكنه عظمته ولا تبلغه العلماء بالبابها ولا أهل التفكر بغير أمرها أعلم خلقه به الذى بالحد لا يصفه يدركه الأبصار ولا تدركه الابصار وهو المنطق الخبير

اما بعد فان علياً باب من دخله كان مؤمناً ومن خرج منه كان كافراً اقول قولى واستغفر الله العظيم لى ولكم فقام على ابن ابى طالب عليه السلام وقبل ما بين عينيه ثم قال ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم

خواننده عزیز همان طوری که در آغاز کتاب (على سیه سالار اسلام) خطبه آغازین کتاب را از خطبه های امیرالمؤمنین علی علیه السلام برگزیدم یعنی خطبه بی نقطه، و اینک که به توفیق پروردگار مهربان قلم به دست گرفته و تصمیم دارم

که کتابی تحت عنوان «حسن و حسین علیه السلام سرداران جوانان اهل بهشت» درباره فضائل این دو امام بزرگوار بنویسم، باز هم به عنوان تیمن و تبرک خطبه‌ای از خطبه‌های امام حسن مجتبی علیه السلام را در ابتدای کتاب می‌نویسم که هم کتاب را با حمد و ثناء خداوند آغاز کنم و هم در آغاز از امام حسن مجتبی علیه السلام خطبه‌ای را ذکر کرده باشم.

ناگفته نماند این خطبه شریفه، یک شان نزولی دارد و آن از این قرار است که کتاب نهج الخطابه از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن امام بزرگوار فرمود: حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بفرزند گرامی خود حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند ای نوردیده خطبه‌ای انشاء نما تا سخن تو را بشنوم، عرض کرد چگونه خطبه بخوانم در صورتی که دارم شما را می‌بینم و حیا می‌کنم، علی علیه السلام فرمود: فرزندان خود را جمع کرد و خود در پس پرده قرار گرفت تا چهره‌اش دیده نشود و سخنان فرزندش حسن را بشنود. امام حسن علیه السلام خطبه را آغاز نمود و عرض کرد: «بسم الله الرحمن الرحيم، حمد و سپاس برای خداوند بی‌همتائی است که شبیهی برای او نیست و همیشگی است، بدون اینکه برای او بودنی باشد (یعنی همیشه بوده و خواهد بود) به ذات خود قائم است بدون رنج، آفریننده است بدون زحمت، موصوف است بدون نیابت، شناخته شده بدون محدودیت، همیشه غالب و قادر است. قدیمی است که مسبوق به عدم نیست، از هیبت او دلها به لرزه می‌افتد و از قدرت او عقلها زایل می‌شود، و بر توانائی او گردنها فروود می‌آید. اندازه بزرگواری او در دل بشری خطور نکند و مردمان به کُنه



و حقیقت جلالش نرسند. دانشمندان با عقل خود به او پی نبرند، داناترین و متفکرین فرد عالم به تدبیر امورش راه نیابد. داناترین آفریدگان او کسی است که او را به حدی وصف نکند (و شاید مراد از این داناترین وجود مبارک پیامبر اعظم باشد) او دیدگان را می بیند و دیدگان او را درک نمی کنند و او است دقیق و مهربان و دانا به حال بندگان.

اما بعد علی ابن ابی طالب بایی است که هرکس داخل آن شد ایمان آورد و هرکس از آن خارج شد کافر است، گفتم و گفتارم این است و از خداوند بزرگ برای خود و برای شما آمرزش خواهم.

پس امیرالمؤمنین علیه السلام به خواست و بین دو چشم امام حسن علیه السلام را بوسید و این آیه مبارکه را تلاوت فرمود: **ذُرِّيَّةٌ مِنْ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.**

آری واقعیت این است که الولد سر است و پسر از اسرار پدر می باشد. پسر گر ندارد نشان از پدر تو یگانه خوان و مخوانش پسر ذریه بعضها من بعض؛ هم همین واقعیت را بازگو می نماید.

«یا حسن ابن علی المجتبی»

ای حسن تو تمامی حسن خدای تو	یوسف بود زحسن و ملاحیت گدای تو
اسم است چون دلیل مسمی خدا از آن	کرد انتخاب نام حسن را برای تو
ای گوشوار عریش الهی که بوده است	دوش رسول و دامن زهراء جای تو
ذات چو هست آینه ذات سرمدی	حسن است و لطف و عاطفه سر تا به پای تو
بوسید مصطفی لب و رویت از آنکه دید	کوثر دهان تو است و جنت لقای تو



عبد خدا توئی که به محراب و درنماز
مدحت اگر خدا و پیمبر کند از آنک
افراستی چو رایت صلح ای ولی حق
صلحت که چون قیام حسین است با اثر
هر نقشه‌ای که ریخت معاویه از عناد
تفویض سلطنت به عدو بود مصلحت
از آن چه آفتاب بتابد بر آن مدام
محفوظ ماند چون محبان زرحمت
بهر رضای حق چو گشته زحق خویش
منت خدای را که به نیت دلم
منت گذار برمن و بپذیر شعر من
ای حجت خدا که مؤید فدای تو
از محمد رضا مؤید

و اینک به توفیق خدای عالم این کتاب را در سه فصل خراهم نوشت.

فصل اول در فضائل و مناقبی که از زبان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهراء علیها السلام در مورد فضائل این دو امام بزرگوار مشترکاً بیان شده.

و فصل دوم در فضائل مختصه به امام حسن علیه السلام و فصل سوم در فضائل مختصه به امام حسین علیه السلام.

اما فصل اول؛ از آنجائی که امام حسن و امام حسین علیهما السلام هم سن و سال بودند که فقط شش ماه و یا به تعبیر دیگر یک سال امام حسن بزرگتر بود هر دو نازدانه و هر دو ریحانه و هر دو دردانه و نور چشم پیامبر و مورد عنایت خاصه آن

حضرت علیه السلام و امیرالمؤمنین علی و فاطمه زهرا علیها السلام بود و روی این جهت اکثر تعریف‌ها و تمجیدهایی که از زبان مبارک این عزیزان درباره این دو امام بزرگوار شرف صدور می‌یافت، هر دو را با هم و در یک کلام ذکر فرموده‌اند و یا بعضی از اتفاقات ناگوار و یا پیش‌آمدهای خوب و لذت بخش که در ایام کودکی این دو بزرگوار رخ می‌داد نیز با هم بودند.

پیامبر بزرگوار هر دو را با هم بر دوش مبارک سوار می‌فرمود و هر دو را باهم روی زانوانش می‌نشاند و هر دو را با هم می‌بوسید و یا به هر دو و در یک وقت هدیه‌ای مرحمت می‌فرمود و روی این جهت در ابتدای این کتاب سعی می‌کنم که تمام فرمایشات و الطاف و مهربانی‌هایی که از طرف جدّ امجد و پدر عالیقدر و مادر مکرّمه‌اش به آنها ابراز می‌شد، ذکر کنم و سپس در قسمت دوم این کتاب فضائل و مناقب برادر بزرگتر، و در قسمت سوم، حالات و فضائل برادر کوچک‌تر را یادآوری کنم.

و البته قلم بنده بسیار کوچک‌تر و خودم خیلی حقیر از آن هستم که چنین ادعائی را عملی نموده و فضائل این دو شخصیت بی‌نظیر و شگفت‌ناپذیر را به رشته تحریر درآورم ولی از آنجائی که ران ملخی نزد سلیمان بردن/ عیب است ولیکن هنر است از موری؛ آب دریا را اگر نتوان کشید/ هم به قدر تشنگی باید چشید. تا آنجائی که قلم بنده می‌چرخد و اطلاعات بنده کاربرد دارد باید از این فضائل نویسی خودداری نکنم.